



زندگی نامه

حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) در خانه ی عصمت و طهارت چشم به جهان گشود، مادرش نجمه (سلام الله علیها) و پدرش امام هفتم، حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) و برادرش امام رضا (علیه السلام) بود.

نام شریف آن حضرت، فاطمه کبری (سلام الله علیها) و القابش معصومه، طاهره، حمیده و برّه، رشیده، تقیّه، کریمه اهل بیت و عالمه آل طه و... می باشد. در اول ذیقعه سال 173 (ه.ق) در مدینه به دنیا آمد و در سن 28 سالگی در دهم ماه ربیع الاول 201 در قم وفات یافت. (1)

کرامت در کودکی

آن حضرت تا سن شش سالگی در مدینه در محضر پدر بزرگوارش امام هفتم بوده که یکی از کرامات و فضایل حضرت معصومه (سلام الله علیها) در همین سن خردسالی روی داد. زمانی که پدر بزرگوارشان در سفر بودند،

جمعی از شیعیان برای دریافت پرسش های خود به مدینه وارد شدند تا به محضرامام موسی بن جعفر (علیه السلام) برسند و پاسخ سؤالات خود را از حضرتش دریافت کنند. اما با خبر شدند که آن بزرگوار در مسافرت هستند لذا پرسش ها را به خانواده امام کاظم (علیه السلام) سپردند تا در سفر بعد پاسخ بگیرند. حضرت معصومه (سلام الله علیها) که حدود شش سال داشت، پاسخ سؤالات آنها را نوشت و به ایشان داد. امام موسی کاظم (علیه السلام) پس از بازگشت از سفر و باخبر شدن از این قضیه به نشان تمجید از دخترش حضرت معصومه (سلام الله علیها) و تصدیق او سه بار فرمودند: «فداها ابوها؛ پدرش به فدایش»
حضرت معصومه (سلام الله علیها) بعد از پدر، در سال 179 تحت کفالت برادرش حضرت امام رضا (علیه السلام) قرار گرفت و تا سال 200 (ه.ق) یعنی 21 سال تمام، در کنار برادر بزرگوارشان به مقامات عالی و کمالات علمی و عرفانی و اخلاقی دست یافت.

فضایل

- 1) یکی از فرازهایی که بیانگر اوج عظمت و مقام حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) است، زیارت نامه ای است که حضرت رضا (علیه السلام) در مورد آن حضرت بیان فرموده اند. در فرازی از آن چنین آمده است: «یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة فان لك عند الله شأنًا من الشأن؛ (2) ای فاطمه مرا در مورد ورود به بهشت شفاعت کن؛ چرا که در پیشگاه خداوند دارای مقامات و درجات بسیار ارجمندی هستی.»
- 2) امام صادق (علیه السلام) این روایت را قبل از ولادت امام کاظم فرمود: «وَسَتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةً مِنْ اَوْلَادِي تُسَمِّي فاطمةً، فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الجنة؛ (3) به زودی در قم بانویی از فرزندان من به نام فاطمه دفن شود. کسی که مرقد او را زیارت کند بهشت برای او واجب گردد.»

راز ازدواج نکردن حضرت

حضرت معصومه (سلام الله علیها) به هنگام هجرت حضرت امام رضا (علیه السلام) از مدینه به طوس 27 ساله بودند. طبق وصیت امام کاظم (علیه السلام) ازدواج دختران آن حضرت به مشورت و اجازه امام رضا (علیه السلام) بستگی داشت. چرا که آن حضرت به مصلحت خواهرانشان آگاهتر از دیگران بودند. برای حضرت معصومه (سلام الله علیها) همسر مناسب و همتایی وجود نداشت. زیرا علاوه بر کفو دینی کفو فرهنگی و معنوی نیز نقش بسزایی در ازدواج صحیح دارد. شاید بر همین اساس امام صادق (علیه السلام) فرمود: «اگر خداوند متعالی علی (علیه السلام) را برای فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) نمی آفرید، در سراسر زمین از حضرت آدم (علیه السلام) گرفته تا هر انسانی بعد از او همسر و همتای مناسبی برای فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)

در فراق امام رضا (علیه السلام)

در سال 200 (ه.ق) زمانی که یگانه برادر حضرت معصومه (سلام الله علیها) به اجبار مأمون مجبور به هجرت به خراسان شدند، حضرت حدود یک سال به دور از برادر خود در مدینه زندگی کرد. مأمون عباسی در سال 201 (ه.ق) حضرت امام رضا (علیه السلام) را به عنوان ولیعهد خود تعیین نمود. در این هنگام آن حضرت برای بستگان خود در مدینه و خصوص برای حضرت معصومه (سلام الله علیها) نامه ای نوشت و آنها را به خراسان دعوت نمود. حضرت معصومه (سلام الله علیها) به مجرد خواندن نامه امام (علیه السلام) برای دیدار برادر عازم خراسان شد و با گروه بسیاری از امام زادگان و بستگان به سوی خراسان حرکت نمودند.

ورود به ساوه

کاروانی که حضرت معصومه (سلام الله علیها) در میان آن بود، به سرپرستی هارون بن موسی بن جعفر (علیه السلام) منزل به منزل حرکت کردند و به ساوه رسیدند. در آنجا دشمنان خاندان نبوت به کاروان حمله و هارون را به شهادت رسانده و جمعی را مجروح کردند. در اثر این حادثه دلخراش کاروان دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) پراکنده شدند.

مسمومیت حضرت و سفر به قم

در ساوه غذای حضرت توسط یک زن نابکار زهرآلود گشت. به این ترتیب آن بانوی گرامی مسموم و بیمار شد. هنگامی که خبر ورود حضرت به ساوه و خبر بیماری او به آل سعد (شیعیان عرب اشعری) رسید، آل سعد به اتفاق به استقبال آن حضرت رفته و در میان آنها موسی بن خزرج بن سعد اشعری مهار شتر او را گرفت و او را به شهر قم دعوت نمود. به هنگام ورود به قم محبان اهل بیت استقبال کم نظیری از خواهر امام رضا (علیه السلام) کردند که در اذهان، استقبال تاریخی مردم نیشابور از امام رضا (علیه السلام) تداعی می کرد.

بیت النور

در این چند روزی که حضرت معصومه (سلام الله علیها) در قم به سر می بردند، در سرای موسی بن خزرج عبادتگاهی داشت که هم اکنون آن مکان مقدس با بنایی با شکوه مشخص و در کنار آن یک مسجد مجلل و چند حجره وجود دارد که به عنوان مدرسه ی علمیّه سَنّیه در محلّ میدان میر قم خوانده می شود. (5) این عبادتگاه را بیت النور نیز گویند که گواه نورانیت و صفای ممتاز او در ارتباط با خداست.

رحلت

سرانجام آن حضرت بعد از شانزده یا هفده روز که در خانه موسی بستری بود، از دنیا رفت. (6) شیخ قرنی در کتاب خود چنین آورده است: «فكانت فيها سبعة عشر يوماً حزينةً باكياً على أخيها وفارقت الدنيا؛ (7) حضرت معصومه (سلام الله علیها) هفده روز در قم بود و در این روزها به یاد برادرش حضرت رضا (علیه السلام) غمگین و گریان بود تا جان به جان آفرین تسلیم نمود.»

مرقد مطهر

زمینی که هم اکنون مرقد مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) و صحن و سرای آن حضرت در آن جای دارد، از باغهای ساحلی موسی بن خزرج اشعری بود که پس از وفات حضرت معصومه (سلام الله علیها) جنازه مطهر او را غسل و کفن کردند تا در سرداب همین زمین به خاک بسپارند. ناگهان از جانب صحرا دو نفر سوار نقابدار پیدا شدند و بر جنازه حضرت نماز خواندند. سپس داخل سرداب شده جنازه را دفن کردند. (بعضی احتمال داده اند آنها حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) و حضرت رضا (علیه السلام) بوده اند.) (8)

موسی بن خزرج سقف و سایبانی از حصیر و بوریا بر سر قبر برافراشت تا هنگامی که حضرت زینب (سلام الله علیها) دختر امام جواد (علیه السلام) وارد قم شد، قبه ای بر آن مرقد مطهر بنا کرد. (9)

پینوشت ها

1. اشتهاوردی، محمد، حضرت معصومه (سلام الله علیها) چشمه جوشان کوثر، مطهر، ص 8.

2. مجلسی، باقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء بیروت، ج 102، ص 267.
3. مجلسی، باقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء بیروت، ج 48، ص 317.
4. کلینی، رازی، اصول کافی، متوفی 328 و 329، ج 1، ص 261.
5. اشتیاردی، محمد، حضرت معصومه (سلام الله علیها) چشمه جوشان کوثر، ص 40.
6. اشتیاردی، محمد، حضرت معصومه (سلام الله علیها) چشمه جوشان کوثر، ص 35.
7. شیخ قرنی، منهاج الدموع، ص 440.
8. صفی، مهدی، از زندگانی حضرت معصومه (سلام الله علیها) و تاریخ قم، صفی، ص 43.
9. مجلسی، باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء بیروت، ج 48، ص 290؛ مجلسی، باقر، بحار الانوار، ج 57، ص 219.